

## احکام ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه فعالین جنبش کارگری

احکام بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی در مورد ۷ تن از فعالین کارگری که در جریان تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر در شهر سقز در سال ۸۳ دستگیر شدند، بعد از مدت‌ها سردواندن، از طریق وکلایشان به آنها ابلاغ گردید و به این اعتبار ضرورت یک حرکت اجتماعی برای لغو این احکام غیرانسانی را در مقابل همه فعالین و مدافعان جنبش کارگری قرار داد.

این فعالین کارگری اساساً به این خاطر به زندان و تبعید محکوم شده‌اند که از حق بین‌المللی خود برای برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه استفاده کرده‌اند. حتی که کارگران مبارز شیکاگو با خون خود آنرا به یک سنت برسمیت شناخته شده جامعه بین‌المللی تبدیل کردند. فعالین کارگری سقز به خاطر اعتراض علیه نابرابری و استثمار نظام سرمایه داری و به خاطر دفاع از حقوق انسانی کارگران برای یک زندگی فارغ از فقر و بی‌حقوقی به زندان محکوم شدند. "جرم" این فعالین کارگری این است که در روز اول ماه مه ۸۳ می خواستند به منظور اعتراض مشترک همراه با میلیون‌ها نفر از هم‌طبقه‌ای‌های خود در سراسر جهان در یک پارک عمومی تجمع کنند، که رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی تجمع آنها را وحشیانه سرکوب نمود.

همه می‌دانیم که جمهوری اسلامی از همان روز سرکار آمدنش کارگران را از حق برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه محروم کرده است، همه می‌دانیم که در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی هر ندای حق‌طلبانه‌ای با سرکوب و شکنجه و اعدام مواجه می‌شود و همچنین همه میدانیم که کارگران ایران از جمله در کردستان بارها مراسم اول ماه مه را بدون اجازه دولت برپا کرده و طنین سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی کارگران را به گوش هم‌نروشان خود رسانده‌اند و به همین خاطر مورد سرکوب، ضرب و شتم و شکنجه و اعدام قرار گرفته‌اند.

فعالین کارگری ایران با تشکیل کمیته سراسری برای برگزاری اول ماه مه در سال ۱۳۸۳ و انتخاب یکی از شهرهای کردستان برای پیشبرد یک تجمع مستقل کارگری، مراسم اول ماه را در شهر سقز به خیابان‌ها کشاندند و در ملاعام اعتراض خود علیه نظام سرمایه داری را همراه کارگران در سطح جهانی به نمایش گذاشتند. محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، محمد عبیدی‌پور، اسماعیل خودکام، هادی تنومند و برهان دیوارگر که بعد از ۱۲ روز اعتصاب غذا و مقاومت شجاعانه و حمایت گسترده در داخل و در سطح بین‌المللی آزاد شده و به عنوان فعالین کارگری در سطح جنبش کارگری ایران و جهان شناخته شدند. تظاهرات اول ماه مه سقز و دستگیرشدن رهبران با نفوذ و سرشناس جنبش کارگری صدای جنبش کارگری ایران و کردستان و صدای گرایش رادیکال و سوسیالیستی و خواست حق‌طلبانه کارگران ایران برای ایجاد تشکل مستقل طبقاتی و برپایی تجمعات آزاد کارگری را به گوش جهانیان رساند.

دولت احمدی نژاد، امروز در شرایطی به صدور احکام زندان و تبعید برای فعالین جنبش کارگری ایران اقدام می‌کند که در سطح ایران برای تداوم و تشدید خفقان افسارگسیخته تلاش می‌کند و پاسخ هر ندای حق‌طلبانه‌ای

## جمهوری اسلامی، عامل اصلی فقر

و فلاکت اقتصادی و اجتماعی! صفحه ۳



## دخالگری سیاسی

وظیفه مبرم جنبش کارگری ایران!

صفحه ۸

## منع خشونت علیه زنان



در شرایطی ۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان برگزار شد که بشریت در قرن بیست و یکم همچنان شاهد افزایش تبعیض و خشونت بر زنان در اشکال مختلف فیزیکی، اجتماعی، خانوادگی، روانی، حقوقی و سیاسی است. زنان در محیط خانواده مورد خشونت قرار می‌گیرند، در تفکر مردسالاری و بورژوازی جنس فرودست محسوب می‌شوند و به مثابه کارگر نیز شدیداً مورد استثمار سیستم سرمایه داری قرار می‌گیرند. دستمزد زنان کمتر از دستمزد همکار مرد در یک کار برابر است. هنگام بیکارسازی‌ها، زنان در ردیف نخست بیکارسازی‌ها قرار داده می‌شوند. بیشترین قربانیان جنگ‌ها زنان و کودکان هستند.

نتایج تحقیق و پژوهش «سازمان بهداشت جهانی» نشان می‌دهد که یک ششم زنان به دست شوهر یا شریک زندگی خود قربانی خشونت شده‌اند. در این تحقیقات نتیجه گرفته شده است که در هر ۱۸ ثانیه، یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد و حتی باردار بودن نیز چندان زنان را از خشونت مردان مصون نگه نمی‌دارد. محققان دریافته‌اند که از شکستن استخوان گرفته تا تجاوز، خشونت خانوادگی در همه جوامع غنی و فقیر به چشم می‌خورد و حتی بسیاری از زنان فکر می‌کنند مردان در شرایطی خاص حق اعمال خشونت دارند.

در حاکمیت رژیم‌های دیکتاتوری مانند ایران، زنان هم توسط دولت و قوانین آن در سطح اجتماعی، و هم در چارچوب خانواده توسط پدر، برادر و همسر مورد خشونت قرار می‌گیرند. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کشتن زنان و دختران، وادار کردن به تن‌فروشی و سوق دادن آن‌ها از سر یاس و ناامیدی به خودکشی در جهان بی‌سابقه است.

محو کلیه اشکال ستم بر زنان و مبارزه برای برابری واقعی زن و مرد در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، وظیفه همه انسان‌های برابری‌طلب و آزادی‌خواه و در راس همه، جنبش کارگری کمونیستی است. ■

## احکام ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه فعالین جنبش کارگری



را با شکنجه و شلاق و زندان می‌دهد و در عرصه بین‌المللی با انزوا و بحران گسترده روبرو است. رژیم جمهوری اسلامی با محکوم کردن فعالین کارگری در واقع کل طبقه کارگر را مورد خطاب قرار داده و بدینوسیله می‌خواهد از آنها زهر چشم بگیرد و آنان را به قبول شرایط غیرانسانی وادار سازد.

رژیم با به زندان انداختن سخنگو و فعالین «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگران» می‌خواهد سد راه علیه تلاش فعالین کارگری برای ایجاد تشکلهای توده‌ای و طبقاتی ایجاد نماید و کارگران ایران را مجبور به قبول تشکلهای ارتجاعی وابسته به دولت نماید. توهم‌پراکنی و تلاش‌های رژیم در مباحثات با سازمان جهان کار برای قبولاندن شوراهای اسلامی و «خانه کارگر» در میان طبقه کارگر ایران مورد کوچکترین استقبال قرار نگرفته است. شناخته شدن فعالین جنبش کارگری در سطح ایران و جهان و حمایت گسترده از حق تشکل مستقل کارگری امروز یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در جامعه ایران است. بوجود آمدن چندین نهاد کارگری که امر خود را تلاش برای ایجاد تشکل مستقل کارگران قرار داده‌اند از جمله «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگران»، «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری»، «... کارگران ایران خودرو»، «اتحاد کمیته‌های کارگری»، «سندیکای کارگران شرکت واحد» و غیره، تلاشی غیرقابل برگشت است و همین برای رژیم غیر قابل تحمل بوده و از همکاری و همنوایی این نهادهای کارگری به وحشت افتاده و برای ضربه زدن به این حرکت وسیع از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کند.

از طرف دیگر جنبش انقلابی و کارگری در کردستان با حرکت توده‌ای یک ماهه و اعتصاب سراسری در ۱۶ مرداد و مبارزه متحد و اعتصاب پیروزمند کارگران کارخانجات نساجی سهندجبار دیگر پتانسیل عظیم نهفته در این جنبش انقلابی را به رژیم

جمهوری اسلامی نشان داد. کارگران و مردم مبارز کردستان چه در حرکت شکوهمند ۱۶ مرداد و چه در اعتصاب دو ماهه کارگران نساجی موفق شدند با اتکاء به نیروی مبارزه و حرکت سازمانیافته خود واقعیتی را در مقابل چشمان رژیم جمهوری اسلام قرار دهند که نمی‌تواند از آن صرفنظر کند. جنبش انقلابی در کردستان امروز بیش از هر زمانی بر بستر یک جامعه طبقاتی در جریان است که در آن جنبش کارگران متکی بر مبارزه مستقیم و توده‌ای‌شان به نیروی محرکه و دینامیسم اصلی آن تبدیل شده است. حرکت ارزشمند و جسورانه کارگران در کارخانجات نساجی و شاهره نمونه موفقی از یک مبارزه و اعتصاب سازمان‌یافته کارگری برای تامین خواسته‌های مشخص طبقاتی بود که در آن کارگران توانستند توطئه‌های متعدد رژیم و دست‌اندرکاران او در کردستان را با هوشیاری خنثی نمایند. همانگونه که محمود صالحی در سخنرانی اول ماه مه امسال چشم در چشم فرماندار، پیام سیاسی خود علیه نظام سرمایه‌داری و فراخوان همبستگی جهانی کارگران را اعلام نموده و مورد استقبال مردم قرار گرفت، کارگران نساجی نیز با مبارزه متحدانه خود با وجود محاصره نظامی محل کارشان، رژیم را وادار به قبول خواسته‌های برحق‌شان کرده و بدین ترتیب برگ زرینی را بر تاریخ پر افتخار جنبش کارگری در کردستان افزودند.

جامعه خروشان کردستان که در آن زنان و مردان کارگر و زحمتکش نه فقط از تبعیض و ستم ملی، بلکه همچنین از ستم و استثمار و نابرابری طبقاتی نیز به جان آمده و متکی بر یک جنبش سیاسی اجتماعی، هر روز بیش از گذشته قدرت واقعی خود را به رژیم جمهوری اسلامی و همه صاحبان قدرت نشان می‌دهد. مبارزه بی‌امان کارگران و مردم مبارز کردستان در چند سال اخیر توازن قوایی را به رژیم تحمیل کرده است که برای رژیم و

دستگاه سرکوبگر آن در کردستان قابل چشم‌پوشی نیست. کارگران و مردم مبارز کردستان با اتکاء به شرایطی که با مبارزه خودشان بوجود آورده‌اند، حرکات اجتماعی در ابعاد وسیع توده‌ای سازمان براه انداخته‌اند که تجمعات توده‌ای در مورد وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان، کودکان و اعتصاب سراسری ۱۶ مرداد و حرکت موفق کارگران نساجی نمونه‌های آخر آن خواهد بود و این جنبش انقلابی متکی بر یک دینامیسم سیاسی، توده‌ای راه را برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و توده‌ای هموارتر خواهد نمود. راهکار اساسی کسب موفقیت در مبارزات کارگری و توده‌ای در کردستان در اتکاء به همین حرکت سیاسی و متکی کردن مبارزه بر تشکلهای توده‌ای و سراسری نهفته است. چه بسا بدون وجود همچون تشکلهایی، امکان پیروزی نهایی مبارزات کارگران و جنبش انقلابی در کردستان و پیوند دادن آنها با جنبش آزادیخواهانه و مبارزاتی کارگران و مردم مبارز در سراسر ایران برای رهایی از این رژیم سرکوبگر بسیار دشوار خواهد بود.

### ضرورت یک اعتراض

#### گسترده توده‌ای

احکام ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی علیه فعالین جنبش کارگری مورد اعتراض بخش‌هایی از کارگران و مردم آزادیخواه در شهرهای مختلف و همچنین تعدادی از نهادها و تجمعات کارگری در داخل ایران قرار گرفته است که اطلاعاتیهای اعتراضی آنها در رسانه‌های خبری منتشر شده است. در عرصه بین‌المللی نیز تعداد زیادی از اتحادیه‌های بزرگ کارگری از جمله کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های آزاد کارگری، کنگره کار در کانادا، اتحادیه سراسری کارگران در فنلاند، نیروی انگلستان و ایتالیا و غیره به صدور این احکام ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی اعتراض کرده و خواستار لغو این احکام و برسمیت شناختن حقوق

پایه‌ای کارگران ایران شدند. زندانی کردن و حمله به فعالین کارگری سقز، بخشی از تعرض رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی علیه کل طبقه کارگر، علیه هرگونه آزادی سیاسی و علیه هر ندای اعتراض مردم آزادیخواه است که تنها با براه افتادن یک حرکت وسیع کارگری و توده‌ای و با ایجاد یک صف قدرتمند سیاسی می‌توان علیه آن ایستاد و رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. تعرض رژیم جمهوری اسلامی به حقوق پایه‌ای کارگران و مردم آزادیخواه لازم است از جانب کارگران در کارخانجات و مراکز بزرگ تولیدی در ایران و همچنین از جانب تعداد بیشتری از اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری و احزاب و جریان‌های چپ و آزادیخواه در عرصه بین‌المللی محکوم شده و لغو این احکام غیرانسانی به شعار توده‌گیر همه این اعتراض جهانی تبدیل شود.

تجربه تاریخی نشان داده که هرگونه دستاورد طبقه کارگر جز با مبارزه متحدانه و مستقیم آحاد کارگران متشکل میسر نخواهد بود. در این رابطه نیز فراخوان محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی و محمدعبدی‌پور برای ایجاد «کمیته دفاع از حقوق دستگیر شدگان اول ماه مه سقز» که اکنون از جانب همسران مبارز آنها به جریان افتاده است، لازم است در داخل و خارج کشور مورد توجه و حمایت قرار گیرد. تلاش برای آزادی واقعی این فعالین کارگری نه فقط امر خود کارگران، بلکه همچنین وظیفه همه جنبش‌های اجتماعی، از جمله جنبش زنان و دانشجویان و معلمان مبارز گرفته تا نویسندگان، شاعران و همه مردم مبارز و آزادیخواه نیز هست.

کارگران و مردم آزادیخواه در ایران و جهان، محمود صالحی سخنگوی کمیته هماهنگی و سایر فعالین کارگری و خانواده‌های مبارزانشان را در مبارزه علیه این احکام ضدانسانی تنها نخواهند گذاشت. این وظیفه و رسالت همه فعالین و طرفداران واقعی جنبش کارگری است.

## جمهوری اسلامی

### عامل اصلی فقر و فلاکت اقتصادی و اجتماعی!

بهرام رحمانی

زیادی به گروه‌ها و فرقه‌های تروریستی اسلامی در خاورمیانه و آفریقا اختصاص می‌دهد. همچنین سردمداران این رژیم و نزدیکانشان بدون این که زحمت چندانی بکشند، صاحب کارخانه و زمین و شرکت‌های بزرگ صادرات و واردات شده‌اند.

اختلاس‌ها و دزدی‌ها در ارگان‌های دولتی، بانک‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت آنقدر زیاد است که برخی مواقع ناچار به اعلام اختلاسی می‌شوند و یا در دعوی جناح‌ها در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد. برای نمونه سایت بازتاب، ۲۶ آبان ۸۴، جزئیات یک فقره از بزرگترین پرونده‌های اختلاس اقتصادی را که به مدت هشت سال

در دستگاه‌های نظارتی رژیم سرگردان است، انعکاس داده است. سایت بازتاب نوشت: «کارخانه بزرگ سیمان "بهروک" یزد که احداث آن با ظرفیت شش هزار تن از پانزده سال پیش آغاز شده بود، تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است؛ این پرونده‌ای است که در آن به خوبی

می‌توان رد پای مافیاهای مختلف قدرت را مشاهده کرد. در این پرونده که علاوه بر ۱۶۴ میلیون مارک، معادل ۸۲ میلیون یورو (۹۰ میلیارد تومان) وجوه ارزی دولت، بیش از سی میلیارد تومان حقوق بانک تجارت و ده‌ها میلیارد تومان اموال شهروندان بلاتکلیف مانده است، تعدادی از

کلاهبرداران با اتصال به مسئولان امنیتی، قضایی و مرتبطان با روحانیت، همچنان مصون از برخورد هستند... به این ترتیب، از سال ۷۵، به تدریج با افزایش فشار طلب‌کاران، مدیریت کارخانه با برقراری ارتباطات با تعدادی از مقامات امنیتی و قضایی به ویژه «حسن. م» از مدیران امنیتی، «علی. ک» از مرتبطان با روحانیت، به اعمال

نفوذ در پرونده پرداخته و با تهدید، بازداشت و اعمال فشار، سعی به حذف طلب‌کاران داشته است... از سال ۷۹ تاکنون، چهار قاضی ویژه در این پرونده تعیین شده‌اند اما هیچ تحول مثبتی در آن صورت نگرفته است.»

این پرونده فقط یک نمونه از هزاران دزدی و اختلاس سردمداران رژیم و نزدیکان آن‌ها است که جامعه جسته و گریخته از آن خبردار می‌گردد.

بنابراین برای سردمداران جمهوری

بخش‌های مختلف اقتصاد داخلی و خارجی سرمایه‌گذاری کرده است و بالغ بر ۴۰۰ شرکت، واحد تولیدی، کارخانه و خدماتی تحت پوشش این بنیاد فعال است. البته ناگفته نماند که این بنیاد، همانند دیگر بنیادهای جمهوری اسلامی، در پوشش فعالیت‌های «اقتصادی»، به قاچاق سلاح، مواد مخدر و بسیاری از اجناس قاچاق نیز مبادرت می‌ورزد.

#### این همه درآمد به کجا می‌رود؟

اگر یکی از الگوهای لیبرالی این است که هر دولتی از منبع درآمدهای کشور، علاوه بر مخارج جاری در عرصه‌های مختلف خدماتی و آموزشی و صنایع و غیره، زیست و زندگی شهروندان را نیز تامین کند، در ایران ثروتمند تحت حاکمیت جمهوری اسلامی حتی فضایی برای پیشبرد این گونه رفرم‌ها هم نیست. از کمک‌های اجتماعی برای نیازمندان، بیمه بیکاری مکفی، آموزش و پرورش رایگان، حق اولاد و غیره خبری نیست. در حاکمیت نمایندگان خدا و دولت «مستضعفان»، نه تنها اهمیتی به تامین زیست و زندگی شهروندان داده نمی‌شود، نه تنها حتی دستمزد ناچیز کارگران نیز به موقع پرداخت نمی‌گردد، بلکه صنایع کشور، جادها، مدارس، حاشیه شهرها و غیره نیز روزبه‌روز فرسوده‌تر شده و عوارض مادی و معنوی فراوانی نیز به بار می‌آورد. در چنین شرایطی سؤال این است که این درآمدهای کلان به کجا می‌رود؟ صرف چه منابعی می‌گردد؟

جمهوری اسلامی، به عنوان یک رژیم سرکوبگر، بیش‌ترین بودجه رسمی خود را به تبلیغات خرافات اسلامی، امام جمعه‌ها، سپاه پاسداران، نیروهای بسیج، ارتش، سازمان زندان‌ها، انواع سازمان‌های اطلاعاتی، جوخه‌های ترور و مرگ، خرید سلاح و به ویژه تلاش برای دستیابی به سلاح‌های اتمی کشتار جمعی که هزینه‌های میلیارد دلاری دارد، اختصاص می‌دهد. علاوه بر این‌ها جمهوری اسلامی کمک‌های

طبق گزارش سازمان‌های مربوطه از جمله شرکت ملی نفت ایران، با احتساب صادرات روزانه ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت خام در روز در کل در مدت باقی مانده از سال می‌تواند حدود ۷۴۱ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت صادر کرد و چنانچه میزان درآمد سه ماهه نخست امسال و پیش‌بینی برای مدت باقی‌مانده از سال را جمع کنیم ایران می‌تواند با میانگین ۵۲ دلار برای هر بشکه، ۴۸ میلیارد و ۵۳۸ میلیون دلار درآمد نفتی کسب کند.

شایان ذکر است که با توجه به این پیش‌بینی‌ها ایران می‌تواند بیش از ۳۴ میلیارد دلار و ۵۰۰ میلیون دلار مازاد درآمد نفتی کسب کند.

محمدعلی ایزدی، قائم مقام دبیرکل نخبگان تولیدگران ملت ایران، به ایسنا گفت: «استخراج یک بشکه نفت برای ما هزینه‌ای کمتر از ۲ دلار دارد و این در حالی‌ست که اکنون نفت به بشکه‌ای بیش از ۵۰ دلار به فروش می‌رسد.» علاوه بر منابع نفت، گفته می‌شود که ایران سالیانه میلیارد‌ها دلار نیز از منابع غیرنفتی درآمد دارد.

حدود ۷۰ درصد اقتصاد ایران، در دست دولت متمرکز است. بنابراین جمهوری اسلامی، غیر از یک دولت سرکوبگر و ستمگر، بزرگترین کارفرما نیز محسوب می‌شود و مستقیماً از قبل استثمار شدید نیروی کار کسب سود می‌کند.

یکی از مهم‌ترین ارگان‌های اقتصادی جمهوری اسلامی، «بنیاد مستضعفان» است که در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری کرده و بخشی از کارگرانی که دستمزد آن‌ها پرداخت نشده است، مربوط به همین بنیاد است. بنیاد مستضعفان در اوایل انقلاب، اموال و دارایی‌های متعلق به حکومت پهلوی و نزدیکان آن و سرمایه‌دارانی که به دلایل مختلف در اوایل انقلاب، ایران را ترک کرده بودند، مصادره کرد. این بنیاد در

در کلیه جوامع بشری، سیستم سرمایه‌داری و دولتهای حامی سرمایه، عامل عقب‌ماندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و سرکوب‌های سیاسی و فقر و فلاکت و استثمار نیروی کار هستند. ایران نیز به عنوان یک کشور سرمایه‌داری، از این قاعده کلی جهان سرمایه داری مستثنی نیست. امروز سرمایه جهانی شده و قوانین آن نیز کمابیش در همه جهان بر اساس رابطه کار و سرمایه تنظیم شده است. با این تفاوت که در کشورهای پیشرفته صنعتی کارگران و مردم آزادی‌خواه، با تلاش و مبارزه خود، بخشی از مطالبات خود را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به سیستم سرمایه‌داری و دولتهای حامی سرمایه تحمیل کرده‌اند. اما این مسئله در کشورهای "جهان سوم"، عقب نگاه داشته شده و در حال توسعه، با افت و خیزهای زیادی نظیر شورش‌های شهری، انقلابات و با سرکوب‌های خونین و فقر و فلاکت فزاینده همراه است.

در این مطلب، ضمن اینکه نگاه کوتاهی به درآمدهای میلیاردی ایران تحت حاکمیت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی می‌اندازیم؛ همزمان با اشاره به آمار و ارقام به این امر می‌پردازیم که از این خوان نه تنها مردم محروم ایران بهره‌ای نبرده‌اند، بلکه رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر و آوار بحران‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته است و تاوان آن بیشتر از همیشه بر سفره و جیب خالی مردم کارگر و زحمتکش و تهیدست جامعه سنگینی کرده است.

#### درآمدهای جمهوری اسلامی

در سه ماهه نخست امسال با لحاظ کردن میانگین قیمت هر بشکه نفت ایران به میزان ۴۶ دلار و ۷۰ سنت، ایران در حدود ۱۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار درآمد از محل نفت کسب کرده و ۷۰ درصد درآمد مصوب در بودجه از نفت تامین شده است.

## جمهوری اسلامی، عامل اصلی فقر و فلاکت

اسلامی، قبل از هر چیز پر کردن جیبهایشان مهم است، حتی اگر به بهای نابودی و ورشکستگی یک جامعه نیز منجر شود. علاوه بر این، به دلیل این که ایران یک کشور ناامن برای سرمایه گذاریهای درازمدت است، در سه ماه گذشته با روی کار آمدن احمدی‌نژاد و عریضه‌کشی‌های جنگ‌افروزان، مسئله سلاح‌های اتمی و احتمال محاصره اقتصادی ایران توسط سازمان ملل متحد، حتی بسیاری از صاحبان شرکتهای بزرگ که از نزدیکان عوامل رژیم به شمار می‌آیند هم سرمایه اصلی خود را از ایران خارج کرده و به شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس انتقال داده‌اند. اکنون بازار بورس ایران، در معرض ورشکستگی قرار گرفته و بانکها نیز دچار بحران شده‌اند.

بنا به گزارش فردا نیوز، ناصر هاشم‌پور، رئیس شورای بازرگانی ایران در دبی اعلام کرد: «روابط تجاری ایران و امارات عالی است و آخرین آمارها نشان می‌دهد که حجم تبادل تجاری بین دو کشور در سال گذشته رقمی بالغ بر ۲۶ میلیارد درهم بوده است. حجم سرمایه‌گذاری‌شده ایران در امارات، ۷۴۰ میلیارد درهم (۲۰۰ میلیارد دلار) می‌باشد که پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۶ میلادی به ۱۲۰۰ میلیارد درهم (۳۲۶ میلیارد دلار) برسد». وی افزود: «سرمایه‌گذاران ایرانی، ۳۱ درصد از ویلاهای منطقه الحمرا در امارات راس‌الخیمه و ۲۰ درصد از فروشگاههای امارات را در اختیار دارند که البته میزان سرمایه‌گذاری آنان در دبی بیش از جاهای دیگر است. همچنین تعداد شرکتهای ایرانی فعال در امارات، به ۴۰۰۰ شرکت و تعداد ایرانی‌های مقیم در این کشور به ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد».

بنابراین حجم سرمایه‌هایی که زیر نظر و موافقت رژیم از ایران خارج می‌شود، از یک طرف با افزایش حجم صادرات و واردات بی‌رویه ورشکستگی صنایع و بیکاری کارگران این صنایع را به دنبال دارد و از سوی دیگر جامعه ایران، صرفاً به یک جامعه نه

تولیدکننده، بلکه مصرف‌کننده تبدیل می‌گردد و زیر ساخت‌های اقتصادی صورت نمی‌گیرد که چنین سیاستی آینده کشور را با خطر زیاد، از جمله فروپاشی صنایع و رشد و گسترش فقر و بیکاری زیاد دست به گریبان می‌سازد. اما حسن چنین سیاستی برای سرمایه‌داران نزدیک به جمهوری اسلامی این است که در صورت وقوع جنگ و یا محاصره اقتصادی و یا در صورت تحولات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی سرمایه‌هایشان در خارج کشور مصون می‌ماند.

## رشد و گسترش فزاینده

## خط فقر

براساس تعریف‌های گوناگون از خط فقر از دیدگاه اقتصادی، فقیر به کسی اطلاق می‌گردد که درآمد او، برای تامین تمام یا برخی از نیازهای ضروری و رومزه شامل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش کفاف نکند. این افراد به دو دسته زیر خط فقر شدید و خط فقر مطلق تقسیم می‌شود. فقر شدید وضعیتی است که در آن فرد، همه درآمد خود را صرف غذا کند و قادر به تامین حداقل سبب مطلوب غذایی نباشد. همچنین در فقر مطلق، فرد به لحاظ درآمدی قادر به تامین حداقل نیازهای اساسی و خوراکی و غیرخوراکی نیست.

براساس آمارهای منتشر شده رسمی توسط جمهوری اسلامی، خط فقر شهری ۲۴۰ تا ۲۵۰ هزار تومان و خط فقر روستایی ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار تومان است و این در حالی است که امروزه حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر به سر می‌برند. بنا به گزارش ایسنا، طبق برآوردها، درآمد دهک بالا به دهک پایین جامعه در سال ۸۳، حداقل ۱۷ برابر بوده است. این رقم خط فقر اعلام شده، برای یک خانوار چهار نفره ایرانی در نظر گرفته شده است. گرچه منابع غیردولتی در ایران، آمار رسمی تورم و خط فقر را بسیار بالاتر از این می‌دانند.

جمهوری اسلامی، بیش از ده سال است که طرح لایحه فقر زدایی را در مجلس شورای اسلامی مطرح کرده است و اکنون نیز کابینه احمدی‌نژاد،

رئیس جمهور، کابینه خود را کابینه «امام زمان»، «مستضعفان» و کابینه ریشه‌کن کردن فقر زدایی معرفی می‌کند، اما بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر و جمعیتی مابین ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر در خط فقر نسبی قرار دارند. از سوی دیگر بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران، درآمد ۱۵ هزار تومانی تا ۱۵۰ هزار تومانی در ماه دارند. با توجه به ضریب و شاخص‌های موجود در ایران، هیچ انسانی با این مبالغ اندک حتی نمی‌تواند نان خالی روزانه‌اش را تامین کند، در حالی که ضریب تکلف در ایران، بین ۵-۷/۴ است.

همچنین خیرگزاری فارس، ۱ شهریور ۱۳۸۴، به نقل از آخرین آمار بانک جهانی نوشت: «براساس آخرین آمار منتشره از سوی بانک جهانی یک میلیون و چهارصد هزار نفر در ایران، با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند».

علل اصلی بروز فقر در جهان و ایران، سیستم سرمایه جهانی، استثمار غیرانسانی نیروی کار و بیکارسازی‌های گسترده و توزیع ناعادلانه ثروت است. بنابراین، حل مسئله فقر و از میان برداشتن آن بدون مبارزه جدی و پیگیر با سرمایه‌داری امکان‌پذیر نخواهد بود.

## عوارض ناشی از فقر

اساساً نه تنها سیاست اجتماعی و فقرزدایی در ایران وجود ندارد، بلکه جمهوری اسلامی، عامل اصلی همه مشکلات و معضلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران است. کارگزاران اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی، به جای حل مشکلات مردم، آن‌ها را مجرمانی می‌دانند که مستحق زندان و شکنجه و سرکوب هستند. بنابراین شعارهای جمهوری اسلامی مبنی بر فقرزدایی، پوچ و بی‌معنی است. در اینجا به چند نمونه از گزارش‌ها و تحقیقاتی که در زمینه معضلات و مشکلات ناشی از فقر صورت گرفته و از فیلترهای سانسور گذشته و در رسانه‌های جمهوری اسلامی انعکاس یافته است، اشاره می‌کنیم.

در جوامعی مانند ایران، فقر فزاینده و سرکوب‌های سیاسی و اختناق سبب می‌شود که آسیب‌های اجتماعی در

جامعه به صورت یک اپیدمی درآید. افزایش خودکشی، طلاق، دزدی، قتل، ضرب و جرح، تکدی‌گری، فحشاء، اعتیاد و... ناشی از فقر و فلاکت اقتصادی است. هر چند که همه فقرا دزدی و تن‌فروشی نمی‌کنند و به اعتیاد و تکدی‌گری روی نمی‌آورند. اما در مجموع فقر و فلاکت اقتصادی، همه این عوارض و آسیب‌های اجتماعی را در جامعه رشد و گسترش می‌دهد. برای نمونه براساس تحقیقات و بررسی‌ها، کهگیلویه و بویراحمد، یکی از مناطق فقیر ایران است که در حد بالایی از خودکشی را به خودش اختصاص داده است.

یکی از غیرانسانی‌ترین اثرات اجتماعی فقر، فحشا است. عمدتاً الگوی تن‌فروشی در ایران، بیش‌تر برای کسب درآمد برای تامین نیازهای روزمره زندگی است. بنابراین اکثریت کسانی که در این راه قربانی شده‌اند، از سر ناچاری و فقر عامل اصلی آن بوده است. از سوی دیگر بیشتر دختران فراری، از خانواده‌های فقیری هستند که در همان روزهای نخست مورد تجاوز قرار می‌گیرند و به تن‌فروشی کشیده می‌شوند.

بنا به گزارش سازمان بهزیستی ایران در سال ۱۳۸۴، ظرف شش ماه، هشت هزار مورد خشونت خانگی علیه زنان گزارش شده است، یعنی روزانه به طور متوسط حدود ۴۴ مورد خشونت به اطلاع مسئولان می‌رسد، در حالی که بسیاری از موارد دیگر ممکن است هیچ وقت به نهادهای رسمی گزارش نشود. همچنین بیش از ۶۰ درصد زنان ایرانی، دست‌کم یک‌بار در زندگی خود، قربانی خشونت خانگی بوده‌اند. در یک پژوهش در استان ایلام، در ۵۳/۹ درصد مردان با پایگاه اقتصادی پایین‌تر اعمال خشونت دیده می‌شود، در حالی که این میزان در مردان متعلق به پایگاه اقتصادی بالاتر ۲۰/۹ درصد است. بنا به گزارش ایسنا، ۸۰ درصد کودکان خیابانی ایران، ۶۴ درصد کودکان کار از بیماری‌های قلبی رنج می‌برند. بنا به همین گزارش، در تحقیقی که روی ۴۱۳۳ نفر از کودکان خیابانی ایران انجام گرفته، مشخص شده که ۷۳ درصد

این کودکان به بیماری‌های چشمی و ۶۱ درصد به بیماری‌های تنفسی مبتلا هستند. همچنین ۶۴ آن‌ها از بیماری‌های قلبی، ۶۹ درصد از مشکل اختلال شنوایی و ۶۱ درصد از کمبود توجه رنج می‌برند و ۸۲ درصد دچار بیماری‌های پوستی هستند. از نظر سوادآموزی هم ۵۶ درصد آن‌ها بی‌سوادند، ۶۱ درصدشان مشکلات گفتاری دارند و در مجموع ۸۶ درصد آن‌ها فاقد هرگونه مهارت شغلی هستند که این آمار نشان‌دهنده وضعیت نگران‌کننده کودکان خیابانی در کشور است. طبق آمار حدود ۸۰ درصد کودکان خیابانی ایران، کودکان کار هستند که به دلیل عدم اشتغال خانواده، آن‌ها دچار مشکلات زیادی در تامین معاش می‌شوند.

یک مددکار اجتماعی در مورد کودکان خیابانی به ایسنا گفته است: «در ایران آمار دقیقی از کودکان خیابانی وجود ندارد. اما در مجموع ۸۰ درصد کودکان خیابانی، کودکان کارند که به علت فقر اقتصادی خانواده‌ها مجبور به کار در خیابان‌ها هستند و بیشتر آن‌ها در استان‌های خراسان، تهران، لرستان و کردستان به سر می‌برند، ۹۰ درصد این کودکان دارای والدین هستند، ۸۰ درصدشان مهاجرند که ۴۲ درصد آن‌ها از روستاها و شهرهای دیگر کشور و ۳۸ درصد از کشورهای دیگر آمده‌اند و از نظر جنسیت نیز ۷۸ درصد آن‌ها مذکر و در سنین ۵ تا ۱۸ سالگی قرار دارند.» - بنا به گزارش سازمان ملل، ۲/۸ درصد از جمعیت ۷۰ میلیونی ایران به مواد مخدر اعتیاد دارند. روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی از تهران نوشت، براساس گزارش سال ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد، ایران رکورددار تعداد معتادین در جهان است، به طوری که ۲/۸ درصد از جمعیت ۷۰ میلیونی این کشور به مواد مخدر اعتیاد داشته و از این لحاظ ایران، در جهان بی‌رقیب است. براساس گزارش سازمان ملل، کشورهای موریتانی و قرقیزستان با ۲ درصد جمعیت معتاد در رتبه دوم و سوم قرار دارند. این گزارش می‌افزاید: «مصرف هرویین در بین جوانان مایوس و بیکار بسیار

رایج است. طبق نظرسنجی دولت معلوم گردیده که ۸۰ درصد ایرانی‌ها معتقد به رابطه مستقیمی بین بیکاری و اعتیاد هستند. چرا که دولت ایران، قادر نیست یک میلیون شغل برای جوانانی که هر سال وارد بازار کار می‌شوند، ایجاد کند». واشنگتن‌پست، به نقل از آذرخش مکرری، مدیر مرکز مطالعات اعتیاد در ایران می‌نویسد: «قریب به ۲۰ درصد جمعیت بزرگسال ایران، به نحوی مواد مخدر مصرف می‌کنند». براساس ارزیابی آذرخش، نیم میلیون دلال مواد مخدر در این کار دست دارند که هر یک به ۳ الی ۴ نفر مواد می‌فروشند. هزینه مصرف این مواد سالیانه ۳ الی ۵ میلیارد دلار می‌باشد. یک جوان که قبلاً زیبایی‌انداز کار می‌کرده، به گزارشگر واشنگتن‌پست گفته است: «هزینه تهیه هرویین از تهیه یک ساندویچ برایش کمتر است».

گزارش‌های آماری از مرگ و میر معتادان در نیمه نخست امسال، حاکی از فوت ۲ هزار و ۲۹۹ تن بر اثر سوءمصرف مواد است. این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، ۱۴ درصد افزایش نشان می‌دهد. - فقط ۹۰ هزار نفر از دانش‌آموزان مازندران ترک تحصیل کرده‌اند. رئیس سازمان آموزش و پرورش مازندران اعلام کرد: «این دانش‌آموزان ۱۷ سال سن دارند و این معضل زنگ خطری برای استان محسوب می‌شود». وی همچنین از کسری حدود هزار میلیارد ریالی این سازمان در سال جاری خبر داد و گفت: «علاوه بر این برای رفع مشکل ۱۳۰ میلیارد ریال اعتبار لازم است. این استان حدود ۶۲۰ هزار نفر دانش‌آموز و ۶۰۰ مدرسه تخریبی دارد».

- عضو تحقیقات تغذیه‌ای ایران درباره ۴۰ درصد جامعه ایران، که دچار کم‌خوری و سوءتغذیه هستند، گفت: «افراد کم‌خور، افرادی هستند که به دلایل مختلف رژیم غذایی مناسبی ندارند و اغلب این افراد جزو اقشار کم‌درآمدند که غذای کافی در دسترسشان نیست».

- رییس اداره بهداشت و روان وزارت بهداشت اعلام کرد: «حدود ۲۱ درصد، یعنی ۱۵ میلیون نفر در کشور ما در

هر لحظه از یک کسالت روانپزشکی رنج می‌برند که ۱۴ درصد آن را جوانان تشکیل می‌دهند و از این تعداد به طور میانگین حدود ۲۵/۹ درصد آن را زنان و ۱۴/۹ درصد را مردان تشکیل می‌دهند».

بنا به اقرار این مسئول جمهوری اسلامی، بیمارستان‌های عمومی باید ۱۰ درصد تخت‌های خود را به بیماران روانی اختصاص بدهند ولی به علت درآمدنا بودن و ترس برخی از مسئولان بیمارستان از بستری بیماران روانی خودداری می‌کنند.

- براساس آخرین آمارهای سازمان راهداری و حمل و نقل، آمار کشته‌شدگان جاده‌ای در سال ۸۳ از مرز ۲۶۰۸۹ نفر گذشته و مجروحین آن هم به بیش از ۲۴۵ هزار نفر افزایش یافته است. در خصوص برطرف کردن نقاط خطرناک جاده‌ای، اقدامات جدی صورت نگرفته است. برای مثال سال ۸۰، خرم وزیر وقت راه و ترابری اعلام کرد که ۳۰۰ تا ۵۰۰ نقطه جاده خطرناک در کشور وجود دارد و ما به سرعت مشغول رفع این نقاط هستیم. اما براساس آخرین آمارهای موجود، نه تنها این نقاط خطرناک، بازسازی نشده است، بلکه روزبه‌روز نیز نقاط خطرناک در جاده‌ها بر اثر فرسودگی و عدم ظرفیت افزایش می‌یابد. به طوری که

در عرض سه سال، این نقاط خطرناک به ۲۴۰۰ نقطه افزایش یافته است. براساس آمارهای موجود روزانه ۷۴ نفر جان خویش را در جاده‌های کشور از دست می‌دهند، به عبارت دیگر هر ساعت ۳ نفر در جاده‌های ایران جان خود را از دست می‌دهد. آمارهای تصادفات و قربانیان آن، همچنان در حال افزایش است.

بنا به اظهار نایب رییس کانون سراسری انجمن رانندگان کارگر اتوبوس‌های برون‌شهری، با وجود تصویب و اجرای بیمه خویش‌فرمایی در سال‌های ۷۹ و ۸۰، بیش از ۷۰ هزار کارگر راننده در صنعت حمل و نقل مسافران برون‌شهری، از خدمات بیمه‌ای محروم هستند... تاخیر چهار ساله بیمه ۹۰ هزار کارگر راننده در حالی صورت

می‌گیرد که براساس آمارهای رسمی، حدود ۷۵ درصد تصادفات جاده‌ای کشور را ناوگان حمل و نقل مسافران بین جاده‌ای تشکیل می‌دهد.

- متأسفانه برخی از مردم فقیر، به ویژه جوانان برای تامین زندگی خود، اطلاعاتیهایی را در روزنامه‌ها و تابلوی اعلانات منتشر می‌کنند: «اطلاعیه فوری، جوانی ۲۳ ساله با گروه خونی 0 آماده فروش کلیه است!» برای مثال ایسنا، ۲۴/۸/۸۴، گزارشی در این مورد تهیه کرده و از جمله نوشته است: «جوانی ۳۰ ساله که برای فروش کلیه‌اش به انجمن حمایت از بیماران کلیوی آمده بود، می‌گفت حدود یک ماه است که صاحب خانه مرا از خانه بیرون کرده است و کارم را از دست داده‌ام. اسباب خانم در حیاط خانه یکی از اقوام است و زن و بچه‌هایم خانه یکی دیگر از آشنایان و خودم دو روز است که در پارک می‌خوابم. امروز دو روز است که برای فروش کلیه‌ام به انجمن مراجعه کرده‌ام. خوشبختانه یک گیرنده برایم پیدا شده و قرار است دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به من بدهد. یک میلیون هم هدیه دولت است، شاید با این پول یک سرپناهی برای زن و فرزنداند پیدا کنم. وقتی گیرنده می‌آید گویی بهترین خبر زندگیش را به او داده‌اند».

به گفته مسئول پیوند انجمن حمایت از بیماران کلیوی، روزانه ده‌ها نفر از جوانان به انجمن مراجعه می‌کنند که اکثر



آن‌ها به علت نیاز مالی مجبور به فروش کلیه می‌شوند.

در سالن انتظار انجمن، جوانی ۲۳ ساله برای فروش کلیه خود مراجعه کرده بود. او که دارای لیسانس معماری و بیکار بود، علت فروش کلیه‌اش را بستری مادر در بیمارستان و بیکاری پدرش عنوان کرد، می‌گفت: نیاز فوری به پول داریم و باید هر چه سریع‌تر این پول تهیه شود.

### کارگران و فقر

رمضان لطفی، رییس فرهنگسرای کار جمهوری اسلامی، چنین اقرار می‌کند: «براساس آمارهای

## جمهوری اسلامی، عامل اصلی فقر و فلاکت

واقعی، شمار بیکاران کشور بیش از ۱۰ میلیون نفر است و نه ۴ میلیونی که رسماً اعلام می‌شود. کوفت‌فروشی، دلال ارز و سکه طلا، مسافرخش شخصی و هزاران شغل کاذب دیگر را نباید به عنوان شاغل معرفی کرد...».

نشریه تحقیقات اقتصادی خاورمیانه (میس)، در یک گزارش تحلیلی مهم‌ترین نتیجه اجتماعی و اقتصادی بیکاری در ایران را فقر اعلام کرده و نوشت: «در ایران همانند دیگر کشورها بیکاری گسترده یک جاده مستقیم به سمت فقر است و مطابق آخرین آمارهای ارائه شده از سوی سازمان رفاه ۱۲ درصد از جمعیت این کشور که ۹ میلیون نفر را شامل می‌شود، زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۱۷ درصد یعنی ۱۱ میلیون نفر نیز فقیر هستند و این در حالی است که براساس آمارهای واقعی ۴۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق و نسبی زندگی می‌کنند و نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیکاری مهم‌ترین عامل فقر در ایران است...».

بنا به اقرار دبیر خانه کارگر رژیم در استان مازندران، بیش از ۶۰ درصد کارگران ایران امنیت شغلی ندارند... بیش از ۸۰ درصد بازنشستگان ایران در کمند مشکلات مالی‌اند و نمی‌توانند زندگی خود را تامین کنند.

براساس آمارهای ارائه شده از سوی وزارت کار جمهوری اسلامی، طی سال ۱۹۸۳، ۹۳ هزار و ۷۷۰ کارگر در ایران بیکار شده‌اند.

یکی از مسئولین خانه کارگر رژیم در پاکدشت، به خبرگزاری ایلنا گفت: «به علت نداشتن پول کافی و فقر مفرط، بیش از هجده هزار کارگر، در زاغه‌های کورپزخانه‌ها، همچون سربازان پادگان‌ها شب را به صبح می‌رسانند، در این کوره پزخانه‌ها، زن، مرد و حتی کودکان کمتر از هشت سال کار می‌کنند و بین نان‌آور و نان‌خور فرقی نیست. در حال حاضر چهارصد کورپزخانه فعال در استان تهران، وجود دارد که کارگران شاغل در بسیاری از این کارخانجات، به دلیل نداشتن پول کافی برای اجاره حتی یک اتاق برای

سکونت شبانه، شب را با خانواده خود در محل کارخانه‌های آجرسازی به صبح می‌رسانند... هر پنج کارگر در یک اتاق دوازده متری که به دلیل غیرمسکونی بودن و عدم بهداشت محیط، بیشتر به زاغه شبیه می‌باشد، تن خسته شان را به خواب می‌سپارند... حدود ۳۰ درصد کارخانجات و واحدهای تولیدی و صنعتی شهرستان ورامین و پاکدشت، پایین‌تر از میزان تعیین‌شده در قانون کار حقوق پرداخت می‌کنند... حقوق ۱۲۲ هزار تومانی در ماه کفاف دخل و خرج یک کارگر را نمی‌دهد، چه برسد حقوق ۸۰ هزار تومانی، آن هم اگر تعداد خانوار را به حساب نیاوریم. ۷۰ درصد کارگران از انواع بیماری‌های روحی و جسمی رنج برده و میزان آمار طلاق در جامعه کارگری رشد فزاینده‌ای داشته است که ۵۰ درصد این مشکلات، به علت فقر و محرومیت از حق و حقوق قانونی کارگران در کشور است.

خبرگزاری کار ایران، «ایلنا»، به نقل از علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر رژیم، نوشت: «کارگران واحدهای صنفی ساعت کار مشخص نداشته و حقوق و مزایای قانونی نیز به آنان پرداخت نمی‌شود، بدین ترتیب وضعیت بیش از ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر واحدهای صنفی نگران‌کننده است...».

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری در گزارش سالیانه خود از ایران به عنوان یکی از خطرناکترین کشورهای جهان برای اتحادیه‌های کارگری نام برده است. در مورد ایران، این گزارش کنفدراسیون حاکی از قتل چهار نفر به دست پلیس و بازداشت ده‌ها نفر و همچنین مواردی از هجوم خانگی و شکنجه در ارتباط با تظاهرات کارگری با انگیزه‌های صنفی بوده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین فجایع انسانی در ایران، مسئله فراموش شده زنان خانه‌دار است که در چهاردیواری خانه با کارهای سخت کسالت‌آور و زیر فشار مردسالاری و فقر، محبوس شده‌اند و صدایشان هم به هیچ جا نمی‌رسد. خبرگزاری فارس، به نقل از

کانون زنان ایران نوشته است، ۱۲ میلیون زن خانه‌دار از درآمد سرانه کشور در برنامه‌های توسعه کشور سهمی ندارند.

آنچه که در بالا به آن‌ها اشاره کردیم، تنها نمونه‌های بسیار کوچکی از دزدی‌های کلان سردمداران رژیم و نزدیکانشان است که در واقع این مبالغ باید به پرداخت دستمزدهای معوقه و تنظیم دستمزدها متناسب با تورم و گرانی واقعی مزدگیران و صرف، حقوق‌های اجتماعی، بیمه بیکاری، حق مسکن، حق اولاد، آموزش و پرورش و بهداشت و درمان رایگان و... شود.

در طول چند سال گذشته جمهوری اسلامی، فقط از منبع فروش نفت ۶۸۰ میلیارد دلار درآمد داشته است، اکنون نیز قیمت هر بشکه نفت، به بیش از ۵۰ دلار رسیده است، در حالی که هر بشکه نفت کمتر از دو دلار هزینه برمی‌دارد، اما جامعه روزبه‌روز فقیرتر و بحران‌ها و آسیب‌های گسترده‌تر می‌شود.

با بالا رفتن قیمت نفت در بازار جهانی، این انتظار وجود داشت که جمهوری اسلامی، دستمزدهای معوقه کارگران را یکجا پرداخت کند، تورم و گرانی را پایین بیاورد اما این واقعیت بار دیگر در مقابل متوهم‌ترین اقشار جامعه ایران قرار گرفت که جمهوری اسلامی، کم‌ترین اهمیتی به جان و زندگی انسان‌ها نمی‌دهد و هر چه‌قدر هم درآمدهای این کشور بالا برود به جیب سرمایه‌داران و جیب‌های گشاد و عمیق آخوندها سرازیر می‌شود. حتی جمهوری اسلامی، به این هم بسنده نمی‌کند و بحث‌های مجلس در رابطه با محدود کردن «سوسید»ها مطرح است، نشان‌دهنده این امر است که تدارکی برای تهاجم بیشتر به زیست و زندگی و معیشت مردم فقیر و ستم‌دیده تدارک دیده است. دولت و مجلس جمهوری اسلامی در تدارک حذف «سوسید»های نفت و گاز و بنزین هستند. اگر چنین سیاست اقتصادی عملی شود، بی‌شک با افزایش قیمت نفت، بنزین و گاز، قیمت اجناس مورد نیاز مردم نیز به طور سرسام‌آوری بالا خواهد رفت. یکی از توصیه‌های دایمی صندوق

بین‌المللی پول به دولت‌ها حذف سوسیدها، منجمد کردن دستمزدها، اجرای سریع خصوصی‌سازی، بیکارسازی‌های وسیع و... است. جمهوری اسلامی، از ترس اعتراضات کارگران و توده‌های محروم و ستم‌دیده تاکنون نتوانسته کلیه توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول را به مرحله اجراء بگذارد. برای مثال خبرگزاری رویتر، ژانویه ۲۰۰۴، نوشت: «صندوق بین‌المللی پول به ایران هشدار داد که باید اصلاحات ساختاری را تسریع کند تا بتواند از افزایش قیمت نفت بهره‌مند شود و برای این کار باید سوسیدهای نفت و بنزین را قطع کند.»

براساس آماری که ارائه شد، تصویری که عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر یک وضعیت واقعی را در مقابل دیدگان ما در ایران قرار می‌دهد که همین امروز نگران‌کننده است تا چه برسد به فردا. تعداد سرمایه‌دارانی که بخش عظیم ثروت جامعه را در اختیار دارند، به چندین هزار نفر هم نمی‌رسد، در حالی که شمار افراد فقیر به ویژه در حاشیه فقیرنشین شهرها و کسانی که از فقر و محرومیت روستا به این مناطق نقل مکان کرده‌اند و در محرومیت مطلق به سر می‌برند، سر به ده‌ها میلیون نفر می‌زند. کارگران و کلیه مزدبگیران، حتی مایحتاج روزمره زندگی خود و خانواده‌هایشان را نیز به سختی تامین می‌کنند.

سؤال اساسی این است که آیا طبقه کارگر، زنان، جوانان و دانش‌جویان، مردم محروم و آزادی‌خواه ایران، بیش از این تحمل فشارهای فزاینده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را خواهند داشت؟ آیا در برابر این همه نابرابری و بی‌عدالتی و ستم و استثمار به خیابان‌ها خواهند ریخت، کارخانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و دیگر اماکن عمومی را به اشغال خود درخواهند آورد و تا برچیده شدن بساط رژیم جمهوری اسلامی، آرام نخواهند گرفت؟!

تا روزی که خود تولیدکنندگان، کنترل اداره جامعه و تولید و توزیع را در دست نگیرند وضع از آنچه که هست بدتر هم خواهد شد.

## به "کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه" بپیوندید!

کمیته برمی‌داریم و از همه کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، حقوق‌دانان، نویسندگان، دانشگاهیان و تمام گروه‌های اجتماعی دیگر که درد کارگران را می‌فهمند و خواهان عدالت و آزادی هستند دعوت می‌کنیم که برای اعتراض به این احکام ناعادلانه به «کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه» بپیوندند تا با هم از آزادی انسانهای شریفی دفاع کنیم که جز آزادی انسان چیز دیگری نمی‌خواهند.

عایشه جهانی‌پور، همسر جلال حسینی نجیبه صالح‌زاده، همسر محمود صالحی لطیفه قیطاسی، همسر محمدعبدی پور منیژه گازرانی، همسر محسن حکیمی  
۱۳۸۴\_۹\_۲

### جهان امروز

نشریه سیاسی  
حزب کمونیست ایران

سردبیر:

هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

اگر مایلید جهان امروز را از

طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org

«جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.

استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۶ می‌باشد.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S  
53682990054

همسران ما ضدیت با خواسته‌های انسانی آنها نیست؟ به راستی، این بی‌عدالتی عریان چه توجیهی دارد؟ همسران ما انسان‌های شریف و زحمتکشی هستند که جز دفاع از حقوق حقه خود و سایر کارگران هیچ قصد دیگری نداشته‌اند، و همواره خواستار یک زندگی آزاد و انسانی و فارغ از فقر، بیکاری، بی‌حقوقی و بهره‌کشی بوده‌اند. ما به تلاش آنها افتخار می‌کنیم، از زندگی با چنین انسان‌هایی به خود می‌بالیم و احکام محکومیت آنان را عین بی‌عدالتی می‌دانیم، ما با صدای بلند به این احکام ناعادلانه اعتراض می‌کنیم و از همه کارگران، سازمان‌ها، نهادها و تشکلهای کارگری، و از همه آزادیخواهان و حق‌طلبان می‌خواهیم که با ما و فرزندانمان همصدا شوند و به این احکام ناعادلانه اعتراض کنند.

ما با پاسخ مثبت به فراخوان همسرانمان برای ایجاد «کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه» نخستین گام را برای تشکیل این

جهان است، از حقوق کارگران دفاع کنند، از حق داشتن کار، امنیت شغلی، دستمزد مناسب، حق داشتن تشکلهای مستقل و حق برخورداری از یک زندگی انسانی و شرافتمندانه. آیا همین‌ها نیست آنچه دستگیر کنندگان و محکوم‌کنندگان همسران ما نمی‌خواستند گفته شود؟ در شرایطی که فقر و بیکاری بیداد می‌کند و کارگران مجبورند برای به دست آوردن کار و سیر کردن شکم خود و خانواده‌های خود روزها پشت درهای بسته کارخانه‌ها در انتظار بمانند و تازه اگر موفق شوند کار پیدا کنند به هر قرارداد ستمگرانه از جمله قراردادهای موقت و سفید امضا، بدون بیمه، بدون رعایت ایمنی در محل کار، بدون مرخصی و با ساعات کار طولانی و دستمزدهای کیلومترها زیر خط فقر تن دهند، آیا زندانی کردن کارگرانی که خواسته‌اند از حقوق پایمال شده خود و هم طبقه‌هایشان دفاع کنند خوش خدمتی به سرمایه‌دارانی که خون ما را می‌مکند نیست؟ آیا دستگیری و محکومیت

کارگران! مردم شریف و آزاده! در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳ (اول ماه مه ۲۰۰۴) جمعی از کارگران سقز کوشیدند به مناسبت روز جهانی کارگر در این شهر مراسمی برگزار کنند، کارگران برای مراسم خود درخواست مجوز کرده بودند، اما فرمانداری سقز ظهر همان روز اعلام کرد که به مراسم مجوز نمی‌دهد همسران ما، محمود صالحی، جلال حسینی، محمد عبدی‌پور و محسن حکیمی، همان طور که در احکام آنها هم آمده به طرف محل مراسم حرکت کردند تا به مردم بگویند مراسم برگزار نمی‌شود و از آنان بخواهند متفرق شوند. اما پیش از رسیدن به محل و قبل از هر اقدامی همراه ده‌ها نفر از کارگران که از گوشه و کنار شهر به محل مراسم نزدیک می‌شدند، دستگیر شدند. آنان روانه زندان شدند بی‌آن که هیچ مراسم و تجمعی برگزار شده باشد و آنها فرصت پیدا کرده باشند درباره مسائل و مشکلات کارگران صحبت کنند با اعتراض و تلاش مردم، به جز ۷ نفر از جمله همسران ما همه دستگیر شدگان آزاد شدند این ۷ نفر پس از ۱۲ روز زندان و اعتصاب غذا و سپردن وثیقه‌های سنگین تا ۲۰۰ میلیون تومان آزاد شدند و اکنون پس از ۱۸ ماه احضار پیاپی به دادگاه، به استثنای دو نفر که برایشان قرار منع تعقیب صادر شده است، پنج نفر بقیه محکوم شده‌اند، محمود صالحی ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید، جلال حسینی ۳ سال زندان، و محسن حکیمی، محمد عبدی‌پور و برهان دیوارگر هر یک ۲ سال زندان.

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر طبق مقاله نامه‌های سازمان جهانی کار، که به امضای جمهوری اسلامی نیز رسیده است، حق هر کارگری است و نمی‌توان کارگرانی را که تازه فقط قصد برگزاری مراسمی مسالمت آمیز را داشته اند برای این کار محکوم و روانه زندان کرد، همسران ما قصد برگزاری مراسمی مسالمت آمیز را داشته‌اند آنان قصد داشتند در این روز، که روز همه کارگران در سراسر

#### صدای انقلاب ایران

هر شب: ۲۰ - ۲۱  
صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹  
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز  
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز  
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

#### صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰ - ۲۱  
صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹  
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز  
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز  
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

#### پیشرو ارگان کمیته مرکزی کومه‌له به زبان کردی

هر ۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود. **پیشرو** را می‌توان در سایت کومه‌له چاپ و به دست علاقمندان رساند.

#### دفتر نمایندگی کومه‌له

K.K. P.O.Box75026  
Box 750 26 Uppsala- Sweden  
Tel/Fax: +46-18-46 84 93  
[komala@cpiran.org](mailto:komala@cpiran.org)

#### دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه  
Tel . 3124760 - 3125815

#### کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81  
[komalah@komalah.org](mailto:komalah@komalah.org)

#### آدرس‌های

#### حزب کمونیست ایران و کومه‌له

دبیرخانه حزب کمونیست ایران  
C.D.C.R.I. Box 704 45  
107 25 Stockholm - Sweden  
Tel/Fax +46-08-86 80 54  
E-mail: [cpi@cpiran.org](mailto:cpi@cpiran.org)

#### کمیته خارج کشور حزب

K.KH.K Box 704 45  
107 25 Stockholm - Sweden  
E-mail: [khh@cpiran.org](mailto:khh@cpiran.org)



فرشید شکری

## دخالتگری سیاسی وظیفه مبرم جنبش کارگری ایران!

دست بزنند، قطعا دستگاه حاکم تاب مقابله نخواهد داشت.

بر این اساس بایستی سوسیالیستها و رادیکال‌های جنبش کارگری ایران سیاست دخالتگری در جامعه را در پیش گیرند. این تاکتیک ضمن تامین و تضمین رهبری طبقه کارگر بر جنبش‌های توده‌ای و دموکراتیک و تعمیق گرایش سوسیالیستی، تاثیرگذاری بیش از پیش اپوزیسیون بورژوا - لیبرال و ناسیونالیست را بر آنها خنثی می‌کند. با قبول و پذیرش این واقعیت همه ما زنان و مردان کارگر و کمونیست وظیفه داریم متحدانه دست در دست هم‌دیگر برای نابودی ارکان ستم و استثمار بیاخیزیم.

جنبش کارگری با حمایت جنبش‌های زنان، جوانان و جنبش انقلابی کردستان می‌تواند اراده و منافع اکثریت جامعه را به پیش هدایت کند. جنبش کارگری نه فقط یک جنبش صنفی و طبقاتی، بلکه یک جنبش سیاسی هم هست. کسی نمی‌تواند ما را نسبت به سیاست بی‌اعتنا کند.

۲۵ نوامبر ۲۰۰۵

تدارک نقشه‌های کارساز بمنظور برون رفت از بحرانی است که ماندن و حیاتش را با تهدید مواجه ساخته و بی‌شک پراگماتیست‌های ریز و درشت این نظام با حربه‌های متنوع برای دفع این تهدید و بمنظور استمرار حاکمیت خود از هیچ عمل جنایتکارانه‌ای قصور نمی‌کنند، در این گیرودار تنها طبقه کارگر و زحمتکش ظرفیت و قابلیت بر هم زدن معادلاتشان را دارد. جنبش‌های توده‌ای و دموکراتیک به هر اندازه هم قدرتمند باشند، بدون حمایت جنبش کارگری توان رویارویی با انواع و اقسام نهادها و ارگانهای تا دندان مسلح و وحشی رژیم را ندارند.

انقلاب ۱۳۵۷ نمونه و فاکت خوبی در صحت این عقیده است. اگر کارگران شرکت نفت و بخش‌های دیگر طبقه کارگر ایران از مبارزات مردم پشتیبانی نمی‌کردند، هیچگاه رژیم پهلوی وادار به شکست و تسلیم نمی‌شد. در این دوره هم مادام جنبش کارگری در کنار کوشش برای ایجاد شکل‌های توده‌ای، تغییر قانون کار، الغای قراردادهای موقت، بالا رفتن سطح دستمزدها و بهبود شرایط زندگی و... به یاری جنبش‌های دیگر نشتابد نمی‌توان امید چندانی به نجات مردم و پیشروی‌های بعدی خود جنبش داشت. اگر بار دیگر کارگران بخش‌های صنایع کلیدی کشور به اعتصاب سراسری

و اختناق سیاسی، فقر اقتصادی و... در دور اخیر به نسبت گذشته تعرضی‌تر ظاهر گشته است. روحیه همبستگی و اتحاد در آن رشد چشمگیری یافته، مطالبات ضدسرمایه‌داری و افق و گرایش سوسیالیستی بروزات بیشتری از خود نشان داده است. چندین تشکل مستقل از دولت و کارفرمایان نمونه‌های این روند جدید است که طبقه کارگر را در توازن قوای مناسبتری نسبت به رژیم و سرمایه‌داران قرار می‌دهد. آنچه از این دریافت ابژکتیو نتیجه می‌شود بهره جستن از چنین موقعیت مناسبی در مبارزات جاری زنان، جوانان، جنبش انقلابی کردستان و دیگر ملت‌های تحت ستم بنحو شایسته است. نباید فرصت پیش آمده را بسادگی از کف داد و باز هم برای یک زمان نامعلوم دیگر استبداد، زندان، شکنجه، فقر، گرسنگی و تباهی را متحمل شویم. به این اعتبار دخالتگری و تاثیرگذاری در همه جنبش‌های سیاسی و پیشرو در جامعه ایران وظیفه روز جنبش کارگری هم هست. این ضرورت ضمن اینکه خود جنبش کارگری را در موقعیت مستحکمتری قرار می‌دهد، در عین حال و به این اعتبار که ریشه‌های عینی و طبقاتی در همه جنبش‌های دموکراتیک را هم در درون خود نمایندگی می‌کند، می‌تواند تاثیرات رادیکال بر خود این جنبش‌ها هم بگذارد. نقش جنبش کارگری کردستان در جنبش انقلابی کردستان، نقش و جایگاه و خواست زنان کارگر در جنبش زنان و.. مویذ این راهبرهای عملی و ابژکتیو و موثر بر این جنبش‌ها است. موقعیتی مناسبتر جنبش کارگری در اوضاع سیاسی جاری نقش و رسالت سیاسی این جنبش را بارزتر از گذشته کرده است. رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی در

پیشروی قدم به قدم جنبش کارگری در هر جامعه‌ای بستگی به تشخیص وضعیت سیاسی روز جامعه دارد. اهمیت این امر در وهله نخست تشخیص مسیر حرکت اوضاع و قابل پیش بینی شدن انجام و عاقبت آن و در وهله دوم تحصیل خطوط مبارزاتی کارا برای برداشتن و درهم شکستن موانع پیشروی جنبش کارگری می‌باشد. بدون توجه به این اصل اتخاذ تاکتیک و نقشه عمل‌های بجا و موثر در راستای نیل به اهداف مدنظر غیر ممکن خواهد بود. بر این اساس و با اذعان بر حساسیت موضوع، بطور کنکرت به یکی از عاجل‌ترین وظایف فعالین رادیکال در داخل با توجه به شرایط رژیم و موقعیت جنبش کارگری ایران در دوره کنونی تاکید می‌نماییم. رژیم اسلامی سرمایه داری ایران، از طرفی با طرح گاه و بیگاه موضوعات و سناریوهای تکراری (انرژی هسته‌ای، مسئله فلسطین و...) توسط قدرتهای غربی و از سوی دیگر مخالفت و اعتراض هر روزه توده‌های تحت ستم و فرودست جامعه، در داخل و خارج، سخت تحت فشار قرار دارد، با این حال همانطور که بارها به تجربه دریافته‌ایم، جمهوری اسلامی کمافی السابق از طریق بده و بستان‌های پشت پرده از فشارهای خارجی خواهد کاست تا مجال سرکوب جنبش‌های داخل و در راس آنها جنبش کارگری را بیابد. این متد، رئوس اصلی سیاست رژیم در دوره‌های مختلف و در بیست و شش سال گذشته را به خود اختصاص داده و اینک بدنبال ناتوانی و شکست جناح "اصلاح طلب" در پیشبرد آن، اصولگرایان مجری و عهده دار چنین نقشی شده‌اند. جنبش کارگری ایران، علیرغم تمامی چالش‌ها و مشکلات موجود (سرکوب

از سایت حزب کمونیست ایران و سایت کومه‌له



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org

سایت کومه‌له

www.komalah.org



روی شبکه اینترنت دیدن کنید!